ابوالفضل ظهره وند در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به بهانه جدید غرب برای فرار از مذاکره مطرح کرد

تغییر تمرکز امریکا یعنی شکست پروژه آشوب

گروه سیاسی/ امریکا در اجرای پلن «B» علیه ایران، پس از ادعای اینکه به جای مذاکرات با ایران بر آشوب‌های آن متمرکز شده، حالا این بار مدعی شده است که همه توجه خود را معطوف همکاری‌های نظامی ایران و روسیه نموده و در همین راستا ادعای فروش پهپادهای ایرانی به روسیه را بهانه‌ای برای متوقف کردن مذاکرات رفع تحریم‌ها قرار داده است. دلایل این امر را در گفت‌وگوی کوتاهی با ابوالفضل ظهره وند، دیپلمات پیشین جست‌وجو کردیم. به اعتقاد او بازیگران غرب پس از تجربه شکست در سناریوی تحریم سراغ پلن‌های جایگزین رفته‌اند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

***

■ اگرچه به نظر می‌رسد کشورهای غربی درباره ادعاهای خود پیرامون فروش پهپادهای ایرانی به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین نتوانسته‌اند به مدارک مستدلی برسند اما آنها در روزهای اخیر بار دیگر بر این موضوع تمرکز کرده و آن را دلیل اصلی توقف مذاکرات برجامی عنوان نموده‌اند. دلیل را چه می‌دانید؟

کشورهای غربی، توافق هسته‌ای را مومیایی کرده‌اند و از این کار ۲ هدف را دنبال می‌کنند؛ «شرطی نگه داشتن ایران» و «حفظ یک کانال مذاکراتی با کشورمان». این کشورها از قبال سناریوی تحریم‌ها نتوانسته‌اند خواسته‌های خود را محقق کنند از این رو فرصت را مناسب دیده‌اند تا پلن‌های جایگزین خود را به اجرا درآورند. اما آنها برای اقناع و فریب افکار عمومی جهان، در مواضع اعلامی، خود را آماده گفت‌وگو و مذاکره نشان می‌دهند اما در مرحله عمل و اجرای پلن «B» از موضوعاتی که اساساً ارتباطی به مذاکرات وین ندارد، به عنوان فرصتی برای تحت فشار قرار دادن ایران استفاده می‌کنند؛ چنان که یا بر سر میز مذاکره نمی‌آیند و یا با مانور تبلیغاتی درباره فروش پهپادهای ایرانی به روسیه شانس مذاکره را از بین می‌برند. این در حالی است که غرب در جنگ اوکراین تمام قد وارد عمل شده و همه ظرفیت خود را به کار گرفته اما باز هم در این رویداد گرفتار و درمانده شده است. بنابراین بازیگران غربی در این مسیر فقط یک راه پیش رو دارند و آن نیز تمرکز بر روابط نزدیک ایران و روسیه و چین است تا از این طریق، نقش‌آفرینی این کشورها را در روند مذاکرات کمرنگ کند.

■ آیا تمرکز دوباره غرب بر موضوع همکاری‌های متعارف نظامی ایران و روسیه به معنای پذیرش شکست در پروژه قبلی یا همان اغتشاشات ایران است؟

حتماً چنین است. «جو بایدن»، رئیس جمهور ایالات متحده در مقطعی و در جایی دیگر «رابرت مالی»، نماینده امریکا در امور ایران اعلام کردند که الان فقط بر مسأله اغتشاش متمرکز هستند و مذاکرات را کنار گذاشته‌اند. حمایت از این اغتشاشات بخش مهمی از جنگ نرم علیه ایران به شمار می‌رفت. جنگی که این کشورها بویژه در ماه‌های اخیر از یک سو از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و از سوی دیگر با حمایت سازماندهی شده از حوادث داخلی ایران دنبال کرده‌اند. نباید فراموش کرد که امریکایی‌ها پیش از این تنها از طریق تحریم برای رسیدن به اهداف سیاسی خود به دنبال فرصت‌سازی بودند اما نتوانستند به خواسته‌های مورد نظر خود برسند از این رو تمرکز اصلی شان را بر زمینه‌سازی جهت اجماع سیاسی علیه ایران در فضاهایی مانند شورای حکام آژانس و همچنین مجمع عمومی سازمان ملل و پیگیری قطعنامه‌های حقوق بشری و در نهایت مانور تبلیغاتی و سیاسی درباره همکاری نظامی ایران و روسیه گذاشته‌اند.

بنابراین در پی خنثی‌سازی اغتشاشات داخلی ایران انتظار می‌رفت که کشورهای غربی شانس خود را با مانور رسانه‌ای درباره موضوع دیگری مانند فروش پهپادهای نظامی ایران به روسیه امتحان کنند. خصوصاً اینکه رابطه نزدیک ایران و روسیه آنها را بیش از پیش نگران کرده است.

■ شکست غرب در اجرای پروژه تحریم‌ها را چه اندازه در پیگیری عملیات روانی جاری علیه جمهوری اسلامی اثرگذار می‌دانید؟ به نظر می‌رسد با وجود این شکست، این رویه همچنان در دستور کار آنها قرار دارد؟

پروژه تحریم‌ها شکست خورده است اما کشورهای غربی سعی کرده‌اند که اثربخشی تحریم‌ها را همچنان معتبر نشان دهند. امری که خلاف واقع است زیرا تحریم‌ها در حقیقت به اهرمی برای تقویت خوداتکایی صنعت تولید ایران و تحول مثبت در رویکرد سیاست خارجی کشورمان برای یافتن آلترناتیو توافق و ظرفیت‌سازی در حوزه‌های غیر نفتی انجامیده است.

■ به نگرانی غرب بویژه امریکا از رابطه تنگاتنگ ایران و روسیه اشاره کردید. چرا این مناسبات به دغدغه جدی سیاستگذاران غربی تبدیل شده است؟

غرب از رابطه نزدیک ایران و روسیه به وحشت افتاده است و به دنبال تضعیف این مناسبات و هم‌افزایی دو کشور در عرصه‌های اقتصادی و امنیتی است. تردیدی وجود ندارد که نزدیکی دو کشور ایران و روسیه می‌تواند به ایجاد یک قطب اثرگذار قدرت در منطقه آسیا تبدیل شود؛ جایی که ایالات متحده در حال رقابت رو به افزایشی با دیگر قدرت این منطقه یعنی چین است و طبیعی است که نزدیک شدن این کشورها به یکدیگر مؤلفه خطرناکی برای تحقق خواسته‌های امریکا در این منطقه به شمار می‌آید.

■ با درنظر گرفتن تجربه شکست‌های متوالی امریکا در قبال جمهوری اسلامی بویژه در عرصه مذاکرات رفع تحریم‌ها چه سمت و سویی را می‌توان برای مذاکرات پیش‌بینی کرد؟

راهبردی که غرب در اجرای پلن «B» در پیش گرفته است، پیشتر دامی بوده که دولت قبلی را گرفتار کرده بود. یعنی زمانی که او همه ظرفیت‌ها را به رویکرد غرب گره زده بود و در نتیجه با شکست روبه‌رو شد. این همان رویکردی است که دولت سیزدهم همچون چندین ماه گذشته از گرفتار شدن در آن مراقبت کرد. نیاز غرب به ایجاد توافق هسته‌ای بر کسی پوشیده نیست و دولت آقای رئیسی نباید بار و مسئولیت این مذاکرات را بیش از طرف غربی به دوش بکشد.

به نظر می‌رسد تمرکز دولت سیزدهم بر تقویت مناسبات خارجی خود در عرصه منطقه خاورمیانه وآسیا و تلاش‌هایی که برای احیای ظرفیت‌های اقتصادی به عمل آورده است، می‌تواند اتکای صرف کشور به توافق را بردارد و زمینه را برای پیگیری منطقی مذاکرات و موضوعات اختلافی از جمله مسأله اختلافات با آژانس فراهم کند.

«ایران» شیوه ترویج ناامنی از سوی غرب را بررسی می‌کند

چرخه خشونت زیر سایه حقوق بشر

گروه سیاسی/ جدیدترین پیام سرکرده یکی ازگروه‌های تجزیه‌طلب رسماً از همپیمانی جریان متبوعش با گروهک منافقین در روند اغتشاشات ایران پرده برداشته است.

عبدالله مهتدی، دبیرکل گروهک کمونیستی کومله در پیامی که در صفحه توئیتر خود منتشر کرده، به انتقادات از تبریک سازمان مجاهدین به وحدت درون گروهی کومله واکنش نشان داده و گفته است: «تبریک سازمان مجاهدین خلق به مناسبت وحدت مجدد کومله بهانه‌ای شده تا تعدادی راستگرای افراطی که نقش و جایگاه بحق کردها بویژه حزب کومله کردستان ایران در خیزش انقلابی را برنمی‌تابند، با هراس افکنی این جایگاه را تخریب کنند. خطری که ایران را تهدید می‌کند.» او در نهایت منتقدان همسویی کومله با گروهک منافقین را فاشیست‌هایی خوانده که وجود اقلیت‌ها را انکار می‌کنند.

■ فصل جدید همکاری گروهک‌ها

این عضو گروهک کومله در حالی از انتقادات به پیوند این حزب تجزیه‌طلب با جبهه منافقین برآشفته شده است که روند اقدامات جریان متبوعش، گروه‌ها و اقلیت اپوزیسیون ضد ایرانی از اشتراکات فکری و عملی با سازمان تروریستی منافقین حکایت می‌کند. بازیگرانی که فحوای مشترک همه موضع‌گیری‌هایشان پس از آغاز اغتشاشات اخیر ایران، دمیدن بر آتش نزاع، خشونت و فتنه بوده است. برنامه این سازمان مسلح از همان آغاز ناآرامی‌ها که به بهانه درگذشت مهسا امینی به اجرا درآمد، نظام جمهوری اسلامی را هدف گرفته و بیانیه‌های ادعایی‌شان از چشم انداختن دولت، مسیر اقدام‌شان خالی کردن دل مردم و مخدوش ساختن اعتماد عمومی بوده است.

فرقی نمی‌کند این اقدامات را بحران‌سازی یا دفاع از حقوق بشر بنامیم، آنچه را که این جریان‌ها در هفته‌ها و ماه‌های اخیر در دستور کار قرار داده‌اند و برچسب آزادیخواهی بر سینه خود نشانده‌اند، با تغییر الفاظ می‌توان بازتولید چرخه خشونت، کشتار و تجزیه دانست.

■ همه زیر لوای پرچم منافقین

تریبون آزادی که کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده امریکا و فرانسه در اروپا در اختیار اقلیت اپوزیسیون و تجزیه‌طلب قرار داده‌اند، در ماه‌های اخیر تنها دستیابی به یک هدف مشترک یعنی فروپاشی نظام جمهوری اسلامی را دنبال می‌کرده است. این هدفی است که حالا پیوند تنگاتنگ این جریان‌ها با تروریست‌های مجاهدین به ضرورتی برای به اجرا درآوردن آن تبدیل شده است؛سازمانی که پس از شورش‌های ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ به صورت علنی و با اعلام سرکرده خود یعنی مسعود رجوی وارد فاز مسلحانه شد و در روند اقدامات خشونت‌بار خود فقط حربه ترور را در دستور کار داشت و این در حالی بود که عمده اهداف این ترورهای کور مردم عادی، شهروندان بی‌دفاع و رهگذران و... بودند. سازمان منافقین بدون پرده‌پوشی، موارد و نمونه‌هایی از ترورهای شهروندان عادی را در ارگان خود مورد توجه قرار می‌داد و از این عملیات تروریستی با عناوینی مثل اعدام انقلابی و آتش قهر خلق یاد می‌کرد. با چنین سابقه روشنی از کشتار و خشونت این کروهگ منافق، می‌توان اتفاقات تروریستی و خشونت آمیز صورت گرفته در شهرهای مختلف کشور در اغتشاشات اخیر را نشان دهنده روش قدیمی، مشترک و سازمان یافته اعضای این سازمان تروریستی دانست که در دهه‌های اخیر در ایران دست به اقدامات تروریستی زده‌اند. سابقه سیاه این گروهک را بگذارید در کنار رویکردی که دیگر چهره‌های اپوزیسیون برانداز در روند سازماندهی اغتشاشات و هدف فروپاشی دنبال می‌کنند تا معلوم شود رویکرد مشترک این جریان‌ها حاصلی جز قتل و کشتار و خشونت ندارد.

■ ترغیب به حمله نظامی

در تبیین اشتراکات منافقین و دیگر جریان‌های اپوزیسیون اشاره به درخواست چندی پیش یکی از فعالان رسانه‌ای این گروهها در حاشیه کنفرانس امنیتی هالیفکس در گفت‌وگو با شبکه سعودی اینترنشنال کافی است؛ جایی که او به‌صراحت از ناتو خواست به ایران حمله شود. این فعال رسانه‌های ضد ایرانی که در آغاز اغتشاشات روی آنتن این شبکه گریه کرد و از مردم خواست که در تجمعات و اغتشاشات حضور پیدا کنند، در این گفت‌وگو رسماً خواهان حمله نظامی به ملت ایران شد و گفت: «به رهبران غربی می‌گویند به ایران حمله نظامی نکنید. رهبران غرب نباید به این حرف‌ها گوش دهند.»

این چنین است که پیوند سازمان بدنام منافقین با گروه‌ها و دسته‌هایی که در فراخوان‌های خارج از کشور خود علیه جمهوری اسلامی قادر به جمع کردن ۱۰۰ نفر هم نیستند، پیش‌بینی‌پذیر بود، خصوصاً که عملکرد همه این جریان‌ها در یک رفتار مشترک قابل تعریف می‌شود؛ یعنی تا جایی تفاوت‌های میان خود و دیگری را برجسته می‌سازند و از هر کسی که با آنها نیست، دشمن می‌سازند و در مرحله بعد، کشتن بیگناهانی که حربه ای برای تبلیغات سوءشان علیه نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌آید، بسیار ساده خواهد شد.

■ هم متهم هم قاضی

با وجود روشن بودن چنین دستور کاری مبنی بر پیگیری پروژه کشته‌سازی، تعمیق آشوب‌های خیابانی و قتل و خونریزی بیشتر اما کشورهای غربی ابایی از همراهی و مهندسی تحولات و ناآرامی‌های داخلی ایران نداشته اند. مقام‌های این کشورها که فضا را مهیای آن کرده‌اند تا رهبران گروه‌های برانداز و تجزیه‌طلب با فراخوان‌های خود مردم و جوانان فریب خورده ایرانی را تحت تأثیر شعارهای نمایشی به خیابان‌ها بکشانند و آنها را به قتل فجیع هموطنان خود ترغیب نمایند، هم در جایگاه شاکی و هم قاضی نشسته‌اند و واکنش متعارف نظام جمهوری اسلامی با ناامنی و آشوب را به محکمه می‌برند.

مسئولان کشورهای غرب که در هفته‌های اخیر مجازات قاتلان و ناامن سازان امنیت ایران را زیر ضرب برده‌اند، بهتر می‌دانند که هیچ نظام عاقلی امنیت مردم خود و بازدارندگی در برابر جریان ناامن‌ساز را به مسلخ مصلحت‌های بین‌المللی نمی‌سپارد. با این حال این کشورها پیگیری هر رویکرد متناقضی را در مسیر تحقق خواسته‌های سیاسی خود، قابل توجیه می‌دانند؛ یعنی در حالی که می‌دانند نه تنها جمهوری اسلامی که هر حاکمیتی در جهان کمترین مسامحه‌ای با تهدیدات امنیت ملی خود ندارد، مردم ایران را به شورش‌های سخت خیابانی و براندازی فرا می‌خوانند اما پس از برخورد قابل پیش‌بینی دولت با ناامن سازان، ژست مدافع حقوق بشر می‌گیرند و به خونخواهی برمی‌خیزند!

حال آنکه پیوند تنگاتنگ سازمان منافقین، تجزیه‌طلبان و براندازان زیر چتر حمایتی غرب با رویکردی خشونت بار راهی نیست که کسی را به شعارهای ادعایی همچون نظام دموکراتیک عادلانه برساند. دموکراسی حاصل موازنه قوا میان جامعه مدنی و دولت به مثابه رژیم سیاسی است؛ مسأله‌ای که غربی‌ها خود را معلم آن می‌دانند اما به چیزی کمتر از برادرکشی و ترویج خشونت در ایران راضی نیستند.

توئیت جدید عبدالله مهتدی، دبیرکل گروهک تروریستی کومله

بیانیه‌های مداخله جویانه غرب درباره ایران

برش

کشورهای اروپایی و امریکا در مواضع مداخله جویانه خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران به اعدام دو نفر از دستگیرشدگان در آشوب‌های اخیر واکنش نشان دادند. «ند پرایس»، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا در توئیتی این اعدام‌ها را تلاش‌های کلیدی ایران برای سرکوب اعتراضات خواند و مدعی شد که این کشور به همکاری با شرکای خود ادامه می‌دهد تا پاسخگویی در قبال ایران را پیگیری کند. در تداوم رویکرد مداخله آمیز غرب، اتحادیه اروپا هم در بیانیه‌ای اعدام‌های اخیر را نشانه سرکوب خشونت آمیز دانست که توسط مقامات ایرانی صورت گرفته است. آنها در این بیانیه از مقامات ایرانی خواستند تا به اجرای احکام معترضان پایان دهد.

دیگه چه خبر؟

ادعای بازداشت یک ایرانی در آلمان به ظن تدارک حمله با مواد شیمیایی

» خبر اول اینکه، پلیس آلمان و دادستان‌ها یکشنبه (هشتم ژانویه) در بیانیه‌ای مدعی شدند مردی ۳۲ ساله در ایالت غربی نوردراین-وستفالن به اتهام تدارک «حمله با انگیزه اسلام‌گرایانه» بازداشت شده است.

به گزارش دویچه وله، این مرد که ادعا شده ایرانی است، «مظنون به تدارک اقدام جدی خشونت‌آمیز است که دولت را با تهیه سیانید (سیانور) و رایسین برای ارتکاب حمله با انگیزه مذکور به خطر می‌اندازد». رایسین یک سلاح بیولوژیکی بسیار سمی است.

به گزارش فارس، طبق بیانیه مطبوعاتی منتشر شده از سوی پلیس مونستر، پلیس رکلینگهاوزن و دفتر دادستانی دوسلدورف، محل سکونت وی در جست و جوی مواد سمی مورد بازرسی قرار گرفت. دورتا دور خانه این مظنون هم محاصره شد و پلیس و نیروهای امدادی در آنجا مستقر شدند. آلمان پس از فرانسه دومین جمعیت مسلمان در غرب اروپا را دارد. این کشور در سال‌های اخیر افزایش نژادپرستی و نفرت ضد مسلمانان را تجربه کرده که توسط تبلیغات گروه‌های نئونازی و حزب راست افراطی اپوزیسیون «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) تقویت شده است.

خردادماه یک گروه حقوق بشری اعلام کرد که بیش از ۸۰۰ مسجد در آلمان از سال ۲۰۱۴ مورد تهدید و حملات قرار گرفته‌اند و متأسفانه مقامات این کشور به این مسأله توجه چندانی نکرده‌اند.

محکومیت عوامل تهدید رانندگان به ۵ تا ۱۰ سال حبس

» خبر دیگر اینکه، پس از دستگیری عوامل حمله به کامیونداران در جاده‌های جنوبی کشور که همزمان با فراخوان ضدانقلاب در ماه‌های گذشته اقدام به اخلال و تهدید رانندگان کرده بودند، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان از صدور احکام اولیه دادگاه انقلاب در خصوص چهار نفر از متهمین این پرونده خبر داد. مجتبی قهرمانی در خصوص جزئیات این احکام اولیه، اعلام کرد: یکی از متهمین به علت تشکیل و عضویت در گروه با هدف برهم زدن امنیت کشور به ۱۰ سال حبس و یکی دیگر از متهمان به ۵ سال حبس محکوم شد. وی افزود: دو متهم دیگر نیز به اتهام اخلال در نظم عمومی و تخریب عمدی شیشه‌های کامیون‌ها هرکدام به یک سال حبس و پرداخت خسارت از باب مجازات تکمیلی محکوم شده‌اند.

قهرمانی همچنین خاطرنشان کرد: بر اساس احکام صادر شده از دادگاه انقلاب، هر یک از متهمین مکلف هستند نسبت به تهیه و نصب ۵۰ عدد تابلو و علائم راهنمایی و رانندگی نیز اقدام کنند.

گلباران محل سقوط هواپیمای اوکراینی

» شنیدیم که، عصر شنبه با حضور خانواده شهدای شهریار در محل سقوط هواپیمای اوکراینی مراسم نمادینی برای بزرگداشت یاد و خاطره جانباختگان این حادثه برگزار شد و محل سقوط هواپیما اوکراینی ۷۵۲ توسط بالگرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گلباران شد.

تکذیب ادعای رئیس جمهور سابق از سوی عضو کمیسیون اقتصادی

» باخبر شدیم که، یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، اظهارات رئیس دولت سابق را مبنی بر اینکه کسری بودجه ۱۴۰۰ ناشی از اقدامات مجلس یازدهم بوده است، تکذیب کرد. حسن روحانی روز پنجم دی‌ماه در دیدار با جمعی از استانداران دولت‌های یازدهم و دوازدهم به انتقادات درباره کسری بودجه سال ۱۴۰۰ مدعی شد: «عین بودجه‌ای که برای ۱۴۰۰ تنظیم کرده بودیم، تحقق پیدا کرد. ۴۰۰ هزار میلیارد تومان را مجلس اضافه کرد. همان شد کسر. ما در مجلس هم گفتیم ۴۰۰ هزار میلیارد تومان را اضافه نکنید.»

به گزارش ایسنا، مجتبی توانگر با اشاره به اینکه لایحه بودجه ۱۴۰۰ که در پاییز ۱۳۹۹ تقدیم مجلس شد، موجود است، اظهارکرد: متأسفانه این لایحه آنقدر اشکالات اساسی داشت که کسری بودجه ساختاری حدوداً ۵۰ درصدی فقط بخشی از اشکالات آن بود. همان زمان در گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام شد که آن لایحه به دلیل برآورد غیرواقعی و خیالی از فروش نفت در سال ۱۴۰۰ و افزایش قابل توجه هزینه‌های جاری که حدود ۶۰ درصد بود، دچار کسری بودجه و کسری تراز عملیاتی است. نماینده مردم تهران اضافه کرد: لایحه‌ای که آقای روحانی ادعا کرده کسری نداشته، دچار حدود ۳۲۰ هزار میلیارد تومان کسری تأمین نشده برای پوشش مخارج دولت بود. اتفاقاً مجلس در این زمینه به دولت کمک کرد و با تصویب بودجه دو سطحی، این فرصت را به دولت داد که اگر در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ درآمدهایی که پیش‌بینی کرده محقق شود، هزینه‌ها را نیز متناسب با پیش‌بینی خود انجام دهد، اما متأسفانه دولت دوازدهم در همان نیم سال اول بسیاری از هزینه‌ها را برخلاف قانون بدون منابع انجام داد. توانگر در نهایت به حسن روحانی پیشنهاد کرد، یکبار لایحه‌ای را که دولتش به مجلس ارائه داده مرور و سپس اظهارنظر کند، چرا که ظاهراً دچار فراموشی شده است. تکذیب ادعای روحانی از سوی توانگر درحالی است که فرافکنی و این ادعا که نگذاشتند کار کنیم، یک خصلت ثابت دولت گذشته بوده که امروز به نظر می‌رسد این خصلت با فراموشی تعمدی هم ترکیب شده است.

اعتراض کاربران به تحلیل غلط مهدی طارمی

» دست آخر اینکه، توئیت مهدی طارمی فوتبالیست برتر ملی درباره مجازات عوامل قتل شهید مظلوم کرجی واکنش برانگیز شد. طارمی در توئیت خود نوشت:« با طناب دار، عدالت برقرار نمیشه. این همه اختلاسگر داریم تو زندان که دادگاهشون چند سال طول میکشه اما این جوانان مظلوم را چون از خانواده‌های ضعیف هستن و دستشون به جایی بند نیست، بشمار سه اعدام می‌کنین؟». بسیاری از کاربران فضای مجازی با انتقاد از متن این توئیت، نسبت به سانسور جنایت صورت گرفته ابراز تأسف کردند. یک کاربر فضای مجازی در پاسخ طارمی نوشت: «درباره یک فرد غیر مسلح که تحت بیرحمانه‌ترین شرایط با سنگ و چاقو و لگد کشته شده است، عدالت چگونه برقرار خواهد شد؟». کاربر دیگری با توصیه به این فوتبالیست مبنی برگرفتار نشدن در تحلیل‌های غلط و تبلیغات رسانه‌های بیگانه، خاطرنشان کرد: «خون شهید عجمیان که خانواده او در حاشیه شهر زندگی می‌کنند را با خون خانواده‌های خودتان مقایسه کنید؛ اگر از خون عزیزانتان می‌گذرید، نسبت به مجازات قاتلان اعتراض کنید». این اظهارات طارمی در حالی مطرح شده است که عاملان تحریم‌های اقتصادی مردم ایران به صورت تمام قد از اقدامات خشونت‌بار افراد مجازات شده حمایت کرده و امروز به تولید چرخه خشونت و ناامنی در ایران روی آوردند. گفتنی است، «گروه‌های فشار» سیاسی و فرهنگی در هفته‌های اخیر بر اظهارات چهره‌های فرهنگی و ورزشی اثر گذار بوده اند.